**باب دهم**

**در وجوب نوشتن وصيّت نامه و احکام ارث**

جمال قدم جلّ جلاله در کتاب مستطاب اقدس ميفرمايند قوله تعالی:

"قد فرض لکلّ نفس کتاب الوصيّة و له ان يزيّن رأسه بالأسم الأعظم و يعترف فيه بوحدانيّة اللّه فی مظهر ظهوره و يذکر فيه ما اراد من المعروف ليشهد له فی عوالم الأمر و الخلق و يکون له کنزا عند ربّه الحافظ الامين." (بند ۱۰۹)

و در لوح مورّخ ١٧ رجب سنه ٩٨ بعنوان علی قبل اکبر از سماء مشيّت نازل قوله تعالی:

"سؤال ديگر آنجناب آيا نفسی مختار است در مال خود با بودن ذرّيّه و ساير ورثه، ترکه و مايملک خود را بديگری و يا بيک نفر از ورثه مصالحه و يا هبه نمايد و ساير ورثه را بی بهره کند و يا نميتواند؟ هذا ما نزّله الوهّاب فی الجواب هر نفسی در مال خود مختار است يفعل فيه کيف يشاء تا حکم عقل بر او صادق اختيار از او سلب نه هذا ما حکم به اللّه. و بعد اختلال واقعی که نزد حاذقين اطبّاء معيّن و واضح شود اختيار از او ساقط است بحکم کتاب انّه يفعل ما يشاء و يحکم ما يريد..... "

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوحی ميفرمايند قوله العزيز:

"هر نفسی مکلّف بر وصيّت است بلکه فرض و واجب است و صريح نصوص الهيّه است که در حالت صحّت خويش بايد حکما وصيّت نمايد و بحسب ميل خودش هر نوعيکه بخواهد وصيّت کند و آن وصيّت‌نامه را مختوم بدارد و بعد از وفاتش باز شود و بموجب آن عمل گردد. در اين صورت شخص متوفّی ميدانی وسيع دارد که در زمان حيات خود بهر قسمی که ميل دارد وصيّت نمايد تا مجری شود." (جلد سوّم مکاتيب ص ٣٧٠)

و حضرت وليّ ‏امراللّه ارواحنا لعواطفه الفداء در لوح بديع‏اللّه آگاه آباده مورّخ رجب سنه ١٣۴٧ هجری مطابق سوّم ژانويه سنه ١٩٢٩ ميلادی ميفرمايند قوله الأحلی:

"راجع بوصيّت‌نامه خود افراد نفوس در اين خصوص مختارند و بر محفل روحانی تأييد و اجرای آن واجب در صورتيکه مخالف مصالح امريّه چيزی در آن نباشد."

و در رساله سؤال و جواب نازل:

"سؤال - آيا شخص ميتواند در کتاب وصيّت از اموال خود چيزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خيريّه صرف شود بغير اداء حقوق اللّه و حقوق ناس يا آنکه جز مخارج دفن و کفن و حمل نعش حقّی ندارد و مابقی اموال کما فرض اللّه بورّاث ميرسد؟

جواب - انسان در مال خود مختار است اگر بر ادای حقوق الهی موفّق شود و همچنين حقّ النّاس بر او نباشد آنچه در کتاب وصيّت بنويسد و اقرار و اعتراف نمايد مقبول بوده و هست. قد اذن اللّه له بان يفعل فی ما ملکه اللّه کيف يشاء."

مطابق نصوص مبارکه اگر نفسی بدون وصيّت فوت شود بايد ترکه او مطابق قانون مبارک در تقسيم ارث بين طبقات ورّاث تقسيم گردد.

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه ميفرمايند قوله العزيز:

"امّا مسئله ميراث اين تقسيم در صورتی است که شخص متوفّی وصيّتی ننمايد آنوقت اين تقسيم جاری گردد. ( مکاتيب سوّم صفحه ٣٧٠)

نظر بمناسبت مقام در ذيل اينحکم احکام ميراث نگاشته ميشود در ضمن چند فصل.